



جلسه: ۶۲
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: مشروعیت انتشار اوراق قرضه توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیمی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست گذاری در راستای حفظ قدرت خرید پول

بحث در سیاست گذاری پولی حکومت اسلامی قرار دارد که یکی از سیاست گذاری های پولی، حفظ قدرت خرید پول و جبران کاهش ارزش آن است که به صورت مفصل در جلسه پیشین مورد بررسی قرار گرفت. بررسی مفصل سیاست گذاری پولی، جزئیات بسیاری دارد که در این مجال به همه آن ها پرداخته نمی شود بلکه صرفاً به یکی از وظائف و اختیارات حکومت اسلامی در راستای حفظ قدرت خرید پول پرداخته شده و در ادامه وارد مباحث دیگر خواهیم شد.

بررسی مشروعیت استفاده از نرخ بهره سیاستی

یکی از اختیارات و وظائف حکومت اسلامی در سیاست گذاری پولی، سیاست گذاری در راستای کنترل تورم است. یکی از ابزارهای مهم حکومت در این جهت، نرخ بهره سیاستی است که در بانک های مرکزی کشورهای مختلف اعمال می شود. نرخ بهره سیاستی به این معنا است که دولت یا بانک مرکزی، برای کنترل تورم، اوراق قرضه ای را با نرخ مشخص در بازار منتشر می کند و با انتشار این اوراق، نقدینگی موجود در بازار را جمع آوری کرده و در اختیار می گیرد تا در جهاتی از قبیل تولید مورد استفاده قرار دهد. استفاده از تعبیر «نرخ بهره سیاستی» به این جهت است که انتشار اوراق قرضه به غرض انتفاع نیست، بلکه به جهت سیاست دولت و برای به تعادل رساندن اقتصاد است. با توجه به اینکه این اوراق دارای نرخ مشخصی هستند، مردم نیز این اوراق را خریداری کرده و پول های خود را در اختیار دولت و بانک مرکزی قرار می دهند تا ماهیانه و یا سالیانه، سود دریافت کنند. البته جمع آوری نقدینگی موجود در بازار، از طریق عقود دیگر مانند عقد مشارکت یا بیع نقد و نسیه نیز ممکن است، اما آن عقود با مشکلاتی مواجه هستند که امکان استفاده از آنها به گستردگی اوراق قرضه وجود ندارد، اما انتشار اوراق قرضه قابل انجام است و از طریق آن، نقدینگی موجود در جامعه، جمع آوری شده و تورم کنترل می شود و در نتیجه قدرت خرید پول نیز کاهش پیدا نمی کند. ابتدا باید مشروعیت انتشار اوراق قرضه مورد بررسی قرار گیرد تا امکان یا عدم امکان انتشار آنها توسط حکومت اسلامی روشن گردد. در اظهار نظر بدوی، ممکن است ادعا شود که با توجه به حرمت ربا، انتشار اوراق قرضه از سوی حکومت اسلامی جایز نیست. اما مسأله به این سادگی نیست. در مورد عدم جواز انتشار اوراق قرضه توسط اشخاص حقیقی بحثی وجود ندارد؛ چون مسلماً قرض ربوی در مورد اشخاص طبیعی حرام است. بحث حاضر در مورد دولت و سیاست پولی آن است که بخواهد برای کنترل تورم، اوراق قرضه منتشر کند.

وجوه جواز انتشار اوراق قرضه

وجوهی برای جواز انتشار اوراق قرضه گفته شده و یا ممکن است که مطرح شود. اوراق قرضه در بحث فقه بورس به صورت مفصل مورد بررسی قرار گرفته است، اما در مورد دولت اسلامی خصوصیت وجود دارد؛ چون از اوراق قرضه، به عنوان سیاست گذاری پولی استفاده می کند و ممکن است استفاده به عنوان سیاست گذاری پولی، تفاوت داشته و موجب گردد که انتشار اوراق قرضه به عنوان اولی جواز داشته باشد. در اوراق قرضه احتمالات متعددی از قبیل قرض بودن یا عقد جدید بودن مطرح است، اما بحث حاضر بر فرض قرض بودن حقیقت اوراق قرضه مطرح می شود. برخی اقتصاددانان قرض بودن اوراق قرضه را مسلم دانسته اند که بر اساس این نظریه، در واقع انتشار



جلسه: ۶۲
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: مشروعیت انتشار اوراق قرضه توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

اوراق قرضه، ربا است که باید شمول یا عدم شمول حرمت ربا نسبت به انتشار اوراق قرضه مورد بررسی قرار گیرد. جهت دیگر بررسی جواز انتشار اوراق قرضه بر فرض عدم شمول ادله حرمت ربا است. بنابراین در اوراق قرضه، دو جهت برای بحث وجود دارد.

آدله جواز انتشار اوراق قرضه به عنوان اولی

برای جواز به عنوان اولی انتشار اوراق قرضه وجوهی قابل اشاره است:

الف: عدم حرمت ربای تولیدی

اولین وجه برای جواز انتشار اوراق قرضه توسط حکومت اسلامی، این است که این قسم از ربا فی نفسه حرام نیست و با مشکلی مواجه نیست.

توضیح مطلب این است که ربا به دو قسم تقسیم می شود:

الف: ربای استهلاکی و مصرفی

ب: ربای تولیدی

برخی از اساتید ما قائل شده اند که صرفاً ربای استهلاکی و مصرفی حرام است و ربای تولیدی اساساً حرام نیست. بر اساس این نظریه، صرفاً ربایی که برای صرف در هزینه های زندگی از قبیل ساخت خانه، تهیه ما یحتاج زندگی باشد، گرفته شود، حرام خواهد بود، اما اگر برای ساخت کارخانه و تولید ربا گرفته شود، حرام نیست.

از نظریه ذکر شده اقتباس شده است که ربای سیاسی هم حرام نیست؛ چون داعی و انگیزه دولت نسبت به دادن ربا و همچنین داعی کسانی که می گیرند، رباخواری و فساد نیست، بلکه دولت ربا می دهد که تورم را کنترل کند و حتی کاهش ارزش پول را جبران کند. در نتیجه حکمت هایی از قبیل فساد اموال که در مورد ربا مطرح شده است، در مورد ربای سیاسی مطرح نمی شود و ربای سیاسی، تخصصاً از آدله حرمت ربا خارج خواهند بود. در این جهت تفاوتی بین ربا گیرنده و ربا دهنده هم نیست.

مناقشه

به نظر ما مطلب ذکر شده صحیح نیست؛ چون صرف اینکه داعی دولت و کسانی که ربا می گیرند، کمک کردن باشد، دلیل نمی شود که حرمت ربا از بین برود؛ چون شارع، ربا را به صورت مطلق حرام کرده است و استحسانات منشأ انصراف در آدله نمی شود. حتی اگر برخی از مفاسد ربا نیز در محل بحث مطرح نباشد، به معنای عدم حرمت ربا نخواهد بود؛ چون ممکن است در عین اینکه برخی از مفاسد ربا، در ربای سیاسی مطرح نیست، شارع ربای سیاسی را هم حرام کرده باشد تا راه را به صورت کلی بر ربا ببندد و از آن جلوگیری کند. یکی از خواص حکمت ها همین است که موجب تخصیص حکم نمی شوند، اما آن را تعمیم می دهند؛ چون اگر بنا باشد حرمت ثابت نباشد، آرام آرام راه برای ربا باز می شود. اما شارع برای اینکه راه باز نشود، فردی هم که دارای حکمت نیست را حرام می کند. به عنوان مثال حکمت ربای قرضی، اشتغال آن بر ظلم است، اما شارع ربای معاوضی را هم که در آن یک کیلو برنج با کیفیت عالی، به دو کیلو برنج با کیفیت پایین تر فروخته می شود، حرام می کند تا اینکه راه بر ربا به صورت کلی بسته شود. به هر تقدیر، دلیل ذکر شده صرفاً استحسان است و نمی تواند مورد استناد قرار گیرد.



جلسه: ۶۲
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: مشروعیت انتشار اوراق قرضه توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

ب: اختصاص حرمت ربا به اشخاص حقیقی

دلیل دوم برای جواز انتشار اوراق قرضه این است که ربا مطلقاً حرام است و در این زمینه، تفاوتی بین ربا دهنده و گیرنده وجود ندارد، اما ادله حرمت ربا خطاب به اشخاص حقیقی است و اختصاص به این قسم از اشخاص دارد؛ در حالی که حکومت اسلامی شخص حقوقی است و اشخاص حقوقی مورد خطاب به حرمت ربا نیستند؛ چون اشخاص اعتباری قابلیت تکلیف ندارند و وقتی حکم تکلیفی در مورد آنها ثابت نباشد، ثبوت حکم وضعی نیز روشن نخواهد بود. در نتیجه به جهت مکلف نبودن اشخاص اعتباری، ربا در مورد آنها حرام نخواهد بود.

مناقشه

چهار اشکال بر استدلال دوم قابل طرح است:

الف: شمول خطابات حرمت ربا نسبت به اشخاص حقیقی

اشکال اول این است که فرضاً خطابات مربوط به حرمت ربا شامل دولت نگردد، ربا گیرنده از دولت که شخص حقیقی است را شامل شده و او را از گرفتن ربا نهی می کند. وقتی گرفتن ربا از یک طرف حرام باشد، حکم وضعی بطلان ثابت شده و برای او ملکیت ثابت نمی شود. در نتیجه نسبت به طرف دیگر نیز باطل خواهد بود؛ چون بطلان طرفینی است. البته در اینجا شبهه ای وجود دارد که ممکن است صرفاً گرفتن ربایی حرام باشد که دادن آن بر طرف مقابل هم حرام باشد. در صورتی که ادله دال بر حرمت ربا از این جهت اطلاق داشته و دلالت داشته باشند که حتی اگر ربا دادن بر کسی حلال باشد و یا اینکه اساساً حکم تکلیفی نداشته باشد، بر طرف مقابل او حرام باشد که ربا بگیرد، در محل بحث، ادله حرمت ربا قابل استناد خواهند بود. اما اگر چنین اطلاقی ثابت نشود، شبهه ذکر شده تقویت خواهد شد.

ب: حرمت ربا دادن بر ممثل شخص حقوقی

اشکال دوم این است که اگرچه به جهت عدم امکان شمول خطاب نسبت به شخص حقوقی، دادن ربا بر خود شخص حقوقی حرام نیست، اما حرمت ربا نسبت به ممثل و نماینده شخص حقوقی که شخص حقیقی است، ثابت است؛ چون ادله حرمت ربا اطلاق دارند و ممثل شخص حقوقی نیز قابلیت خطاب دارد؛ لذا اطلاق ادله حرمت ربا اقتضا می کند که ربا دادن حرام باشد، اعم از اینکه شخص از طرف خودش ربا بدهد و یا اینکه پرداخت ربا از طرف شخص حقوقی باشد. مشابه همین مطلب در مورد ولی طفل نیز قابل ذکر است که بر او دادن ربا حرام است؛ اعم از اینکه ربا را از طرف خود یا صغیری که بر او ولایت دارد، پرداخت کند. ممکن است از اشکال دوم پاسخ داده شود که اول الکلام است که ادله حرمت ربا از این جهت در مقام بیان بوده و اطلاق داشته باشند. در نتیجه مفاد آنها خطاب به خود شخص است که ربا ندهد و نگیرد، اما اینکه ناظر به ربا گرفتن و یا دادن برای دیگری باشد، ثابت نیست. امکان الغای خصوصیت از حرمت ربا نسبت به خود شخص نیز نمی توان انجام داد؛ چون مسلم است که ربای بین زن و شوهر جایز است و لذا جایز است که شخصی از طرف آنها وکیل شده و معامله ربوی انجام دهد که اینک اگر زن و شوهر صغیر وجود داشته باشد، ولی آنها می تواند برای آنها معامله ربوی انجام دهد. در نتیجه حرام بودن ربا برای خودش شخص، دلیل نمی شود که انجام این معامله از طرف دیگران نیز حرام باشد. وقتی تفکیک ممکن باشد، دیگر الغای خصوصیت ممکن نیست.



جلسه: ۶۲
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: مشروعیت انتشار اوراق قرضه توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

ج: الغای خصوصیت از اشخاص حقیقی

اشکال سوم این است که اگرچه ادله حرمت ربا اختصاص به اشخاص حقیقی دارد و شامل اشخاص حقوقی نمی شود، اما در نظر عرف، اشاره به اشخاص حقیقی در ادله حرمت ربا، از باب مثال بوده و مراد شارع از حرمت ربا اعم از اشخاص حقیقی است و شامل اشخاص اعتباری هم می شود. بنابراین از ادله حرمت ربا فهمیده می شود که نباید ربا در جامعه محقق شود و در این زمینه اشخاص حقیقی خصوصیتی ندارند.

لازم به ذکر است که مطلب ذکر شده، تنقیح مناط نیست بلکه الغای خصوصیت از خطاب است. به نظر ما در نظر عرف چنین الغای خصوصیتی از خطاب نمی شود.

د: شک در ولایت حاکم بر تصرف در بیت المال با انجام معاملات ربوی

اشکال چهارم این چنین است که است که فرضاً ادله حرمت ربا شامل اشخاص حقوقی نشود، اما دلیلی بر جواز نیز اقامه نشده است؛ این در حالی است که حرمت ربا بین اشخاص حقیقی روشن و مسلم است و انجام آن از محرّمات شدیدی است که به شدت از آن نهی شده است. وقتی دلیل بر جواز ربا بر حکومت اسلامی وجود نداشته باشد، حتی اگر حرمت ربا هم ثابت نشود، ولایت داشتن حاکم بر انجام تصرفاتی که انجام آن بر شهروندان آن حرام است، مشکوک خواهد بود و در فرض شک در ولایت داشتن حاکم، اصل عدم ولایت جاری خواهد شد؛ چون ادله ولایت حاکم، اطلاق ندارد که بر او جایز باشد حتی اقداماتی که بر افراد جامعه حرام اعلام شده است را انجام دهد. بنابراین حرمت عمل بر شهروندان منشأ شک در ولایت داشتن حاکم شده و بعد از حصول شک، اصل عدم ولایت در حق او جاری می شود.

مطلب بالاتر این است که حتی اگر یقیناً ربا نسبت به اشخاص حقوقی حلال باشد، نیز باید دلیل اقامه شود که در عین حرام بودن ربا در حق شهروندان، بر حاکم جایز است که در بیت المال اعمال ولایت کرده و معامله ربوی انجام دهد اگر دلیلی در این زمینه اقامه نشود، صرف حلال بودن ربا بر اشخاص حقوقی دلیل نمی شود که حاکم اسلامی هم بتواند چنین اقدامی انجام دهد؛ چون حاکم اسلامی با سایر اشخاص حقوقی متفاوت است و این گونه نیست که انجام هر حلالی، بر او جایز باشد، بلکه برای اینکه بتواند در بیت المال تصرف کند، باید دلیلی بر جواز اقامه گردد و الا ولایت داشتن او مشکوک بوده و اصل عدم ولایت جاری خواهد شد. بنابراین دلیل دوم با اشکال مواجه است.

ج: عدم حرمت ربای قرضی در پول های اعتباری

دلیل سوم برای جواز انتشار اوراق قرضه این است که اساساً ربای قرضی در پول های اعتباری حرام نیست.

توضیح مطلب این است که در روایت های صحیح و معتبر وارد شده است که رباً صرفاً در کالاهای مکمل و موزون ثابت است و لذا فقها بر اساس همین روایات، ربای معاملی در معدودات را جایز دانسته اند؛ لذا به عنوان مثال با توجه به اینکه خودرو جزو معدودات است، فروش یک خودرو به دو خودرو جایز است.

صاحب وسائل در باب ششم از ابواب ربا، روایات متعددی در این زمینه نقل کرده است که به عنوان نمونه به دو روایت اشاره می شود:



جلسه: ۶۲
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: مشروعیت انتشار اوراق قرضه توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندیبی دام ظلّه

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا يَكُونُ الرَّبَا إِلَّا فِيمَا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ.^۱

در این روایت که به لحاظ سندی صحیح است، به صورت مطلق بیان شده است که در غیر اشیای مکیل و موزون ربا وجود ندارد؛ اعم از اینکه به صورت بیع یا قرض ربوی باشد.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَا يَكُونُ الرَّبَا إِلَّا فِيمَا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ.^۲

این روایت دارای چهار سند است^۳ که به جهت اشمال سند آن بر روایان فطحی و واقفی، موثقه محسوب می شود. در این روایت نیز ربا منحصر در کالاهای مکیل و موزون شده است.

در اینجا ممکن است اشکال شود که روایت های ذکر شده، مخالف قرآن محسوب می شوند؛ چون اگر تعبیر «حَرَمَ الرَّبَا»^۴ که در قرآن کریم به کار رفته است، به صورت مطلق، هر ربائی اعم از معاملی و غیر معاملی را حرام کرده بود، روایت هایی که ربا را اختصاص به مکیل و موزون داده اند، اخص از آن بوده و تخصیص صورت می گرفت. اما نکته مهم این است که مقصود از ربا در آیه ذکر شده، خصوص ربای قرضی است؛ چون ربا در مقابل بیع قرار گرفته است و به قرینه مقابله روشن می شود که سود حاصل از غیر بیع - که همان قرض است - حرام است. علاوه بر اینکه در زمان صدور آیه، غالباً ربای قرضی وجود داشته است. از طرف دیگر اگر مقصود از ربا در آیه شریفه، ربای قرضی باشد، نسبت بین آیه شریفه و روایت های مربوط به مکیل و موزون، عموم و خصوص من وجه می شود. افتراق قرآن کریم، ربای قرضی مکیل و موزون و افتراق روایت های ذکر شده، ربای معاملی غیر مکیل و موزون و ماده اجتماع نیز ربای قرضی غیر مکیل و موزون (معدودات) است. در مورد محل اجتماع، قرآن کریم حکم به حرمت ربا کرده و روایت های ذکر شده، آن را حلال دانسته اند و لذا روایات ها به جهت مخالفت با قرآن کریم، از حجیت ساقط می شوند و بر این اساس، دیگر ربای قرضی در غیر مکیل و موزون حلال نخواهد بود تا دولت بخواهد در پول که جزو معدودات است، ربا بدهد.

در پاسخ از اشکال ذکر شده می توان به دو مطلب اشاره کرد:

۱- اگر بنا باشد که از مقابله بین بیع و ربا استفاده شود که بیع، حلال است و ربای قرضی حرام، لازم می آید که بیع ربوی هم به جهت اینکه عنوان بیع بر آن صادق است، حلال باشد، در حالی که قرآن کریم در صدد بیان حلیت بیع ربوی نیست. بنابراین با توجه به اینکه تفکیک، قاطع شرکت است، مقصود از آیه شریفه این چنین است که سود حاصل از بیع و معامله حلال

۱. وسائل الشیعة ۱۸: ۱۳۲

۲. وسائل الشیعة ۱۸: ۱۳۲.

۳. علاوه بر سند ذکر شده در متن، صاحب وسائل به سه سند دیگر اشاره کرده است:

۱- وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ.

۲- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ.

۳- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ صَفْوَانَ.

۴- وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ.

۴. سوره بقره ۲۷۵.



جلسه: ۶۲
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: مشروعیت انتشار اوراق قرضه توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

است، و سود حاصل از شرط کردن و ربا حرام است. در نتیجه به صورت مطلق سود حاصل از غیر معامله، حرام دانسته شده است که موجب عمومیت در قرآن کریم می شود. در نتیجه، نسبت آیه با روایت های ذکر شده، عموم و خصوص مطلق خواهد بود؛ چون قرآن کریم به صورت مطلق ربا را حرام کرده است؛ اعم از اینکه معاملی و قرضی، مکیل و موزون و غیر مکیل و موزون باشد، اما در روایت حکم شده است که در غیر مکیل و موزون ربا وجود ندارد؛ اعم از اینکه معاملی یا قرضی باشد که موجب تخصیص قرآن کریم می شود.

۲- فرضاً نسبت بین آیه قرآن و روایت های ذکر شده، عموم و خصوص من وجه باشد، روایت ها دارای لسان نفی حکم نیستند بلکه نفی موضوع کرده اند و لذا حاکم بر قرآن کریم هستند. از طرف دیگر فقها در علم اصول مطرح کرده اند که دلیل حاکم حتی در مواردی که نسبت، عموم و خصوص من وجه باشد، بر دلیل محکوم مقدم است. به همین دلیل، قاعده های لاضرر و لاجرح، در عین اینکه با ادله احکام اولیه دارای نسبت عموم و خصوص من وجه هستند، مقدم بر ادله احکام اولیه می شوند. در محل بحث نیز به همین دلیل، روایت ها بر آیه شریفه مقدم خواهند شد.

اشکال دیگر این است که فرضاً روایت های ذکر شده با تعبیر «حرّم الربا» قابل جمع بوده و توجیه گردند، امکان جمع بین روایات و آیه شریفه «فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۱ وجود ندارد؛ چون در این آیه شریفه که در ذیل آیه «حرّم الربا» ذکر شده، ربا را ظلم دانسته است و ظلم، قابل تخصیص نیست و لذا این آیه آبی از تخصیص خواهد بود. در مورد این اشکال نیز می توان به دو پاسخ اشاره کرد:

۱- در روایات صرفاً حکم به حلّیت نشده است بلکه اساساً ربا بودن نفی شده است و لذا لسان حکومت دارد و تقدیم آن با مشکلی مواجه نیست.

۲- فقها در مورد ربای بین زوج و زوجه و همچنین والد و ولد فتوا به جواز داده اند، در حالی که در این زمینه نیز به روایاتی استناد شده است که اگر بنا باشد، روایت های محل بحث، مخالف قرآن کریم باشد، باید روایت های مربوط به ربای بین زوج و زوجه و والد و ولد نیز مخالف قرآن باشد.

اشکال سوم این است که فرضاً پذیرفته شود که ربای در غیر مکیل و موزون جایز است، پول از این مسأله استثناء شده است؛ چون روایات متعددی وجود دارد که ربا در قرض نقدین حرام است؛ در حالی که نقدین مکیل و موزون نیستند بلکه از معدودات محسوب می شوند. بنابراین حکومت نمی تواند در نقدین ربا بدهد. دو پاسخ در مورد این اشکال قابل اشاره است:



جلسه: ۶۲
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: مشروعیت انتشار اوراق قرضه توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

۱- نقدین از طلا و نقره ساخته شده و احکام خاص خود را دارند. به عنوان مثال در مورد آنها معامله صرف صورت می گیرد، اما پول اعتباری از این ویژگی برخوردار نیست و لذا نمی توان از حرمت ربا در قرض نقدین به ربا در پول های اعتباری تعدی کرد.

۲- اگرچه نقدین بعد از ضرب، معدود محسوب می شوند، اما اصل آنها طلا و نقره است که مکمل و موزون هستند. در نتیجه محتمل است حرمت ربا در نقدین، به جهت مکمل و موزون بودن ماده آن بوده باشد که این ویژگی در پول های اعتباری وجود ندارد.

بنابراین از نظر استدلال فقهی، ربا در پول های اعتباری با مشکلی مواجه نیست، اما مشکل در این است که فقها به این مطلب فتوا نداده اند و در نظر مراجع فعلی، ربا در پول اعتباری نیز حرام است. البته فرضاً ربا در پول اعتباری جایز باشد، برای اینکه حکومت اسلامی بتواند اوراق قرضه منتشر شد، باید در ادله ولایت حاکم، اطلاق وجود داشته باشد که در این جهت شبهه ای مطرح شده و بیان گردید که ممکن است در عین است که عملی جایز است، حاکم ولایت نداشته باشد.